

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد  
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۴

## آینده خاورمیانه بعد از هفتم اکتوبر [۲۰۲۳]

با حمله حماس بر اسرائیل [در هفتم اکتوبر]، صحنه ناامن خاورمیانه ناامن تر شد و کودکان، زنان و بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها مورد یورش هوایی و زمینی سلاح‌های مخرب امپریالیستی قرار گرفته‌اند. تا به حال توده‌های محروم از آغاز دور جدید تشنج در منطقه خاورمیانه هزینه بسیار کلانی بابت سیاست‌های ضد انسانی سوهای درگیر در جنگ داده‌اند. اگرچه [من‌حیث‌المجموع] شک‌ها نسبت به اعمال طرف‌های متفاوت زدوخورد آشکارتر شد و به تبع بار دیگر جایگاه جامعه اشغال‌شده فلسطین را به موضوع مهم و اساسی دنیای مدافع حقوق انسانی تبدیل کرده است؛ اگرچه دروغ و تزویر چهره باعث‌وبانی اوضاع کنونی را نمایان تر کرد و فرصت هرگونه ظن و دودلی را تنگ و در حقیقت بست. ولی مجزا از همه این‌ها، اکتوبر را نمی‌شود حرکت بی‌پیشینه و فی‌البداهه مورد ارزیابی سیاسی قرارداد، زیرا که علت آن به زمان‌های قبل‌تر بازمی‌گردد و سرزمین ملتی را به‌زور غصب کرده‌اند و به‌اجبار کوچ داده شدند و کشتند تا نفس تازه‌تر در کالبد نحیفشان بدمند و خود را به کشورهای منطقه و آن‌هم به‌عنوان یگانه دولت "شایسته" تحمیل کنند. به‌یقین واگفتن‌ها از سرزمین اشغال‌شده و مردمان فلسطین زیاد هست و خوانده‌ایم و از طریق ارگان‌های تبلیغاتی امپریالیستی و دیگر رسانه‌ها دیده‌ایم که بخش‌ستری از نماد مقاومت، ایثار و ایستادگی مردم منطقه خاورمیانه در برابر ظالمان، از آن‌ها هست. دهه‌ها سرزمینشان را به زندان تبدیل کردند و رفت‌وآمد را برویشان بستند تا "سرزمین" خود را پهن‌تر کنند. راضی به زندگی مشترک و تقسیم آن با دیگران نیستند و رانده‌شدگان دیروزی، با هزاران نیرنگ و دغل‌کاری و به خصوص با ارتکاب جنایات وحشیانه، در پی کوچاندن مردمان آن، از سرزمین خودی هستند. به هر جهت تیتراها و روایت را [بنا به خواست توسعه‌طلبانه خود] می‌شود جابه‌جا کرد، اما تاریخ پُر از درد و رنج روا شده نسبت به میلیون‌ها توده فلسطینی را نمی‌شود حاشا کرد؛ چراکه حقایق بسیار گویا و گیراتر از تحریف تاریخ نویسان، یا رسانه‌های جمعی متعلق به عاملان و آمران کنونی هست.

دولت اسرائیل به یاری دموکستگاه‌های تبلیغاتی سرمایه‌داران و مخصوصاً با حمایت سیاسی و عملی بی‌انتهای دولت‌های بزرگ همانند امریکا، نسل‌ها را یکی پس از دیگری از صحنه زندگی حذف کرد تا پرچم و نماد "انسانیت" را "سرافراز" نگه دارد. بی‌پرده، جنگ در سرزمین فلسطین [خیلی قبل‌ترها]، یعنی با اعطای سرزمین مردمان این بخش از منطقه خاورمیانه، از طرف دولت انگلستان به اسرائیل آغاز شده است؛ از آن زمان به بعد بود مخالفت‌ها به‌منظور کسب سرزمین خودی از غاصبان شکل‌گرفت و پایدار شد؛ از آن زمان به بعد بود خاورمیانه شاهد تشنج و درگیری

خونین بین توده‌های محروم فلسطین و دولت اسرائیل بوده است. بالاخره جنگ بین توده‌های ستم‌دیده فلسطین با دولت اسرائیل، به زمان اعطای ۵۵ درصد از سرزمین فلسطین [در ۲۹ نومبر ۱۹۴۷] که با تصویب قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد [به طرح تقسیم فلسطین نیز موسوم است و به دو کشور یهودی و عرب تقسیم و سرانجام در تاریخ ۵ ماه مه ۱۹۴۸ بیانیه استقلال کشور یهودی منتشر شد]، برمی‌گردد.

از این رو جنگ بین توده‌های محروم فلسطین و دولت اسرائیل در اثر این پیشینه و تاریخ سیاسی قابل توضیح است و علی‌رغم چنین حقیقت و تاریخ مبارزات فلسطینیان که به بیش از هفت دهه مربوط هست، ما همچنان شاهد بدفهمی و نادرستی درک از تشنج و درگیری‌ها در منطقه هستیم. کوتاه این که، ریشه جنگ مربوط به تشنج یک‌ساله اخیر [حملة حماس در هفتم اکتوبر] نیست، دلیل جنگ به تصرف گام به گام سرزمین فلسطینیان توسط دولت اسرائیل مرتبط است و بی‌شک حماس به مانند دیگر گروه‌ها و دسته‌ها، از دل چنین وضعیت سیاسی بیرون آمدند و محصول کشاکش دولت‌های منطقه، و نیز برآیند حمایت سیاسی - تسلیحاتی قدرت‌مداران بین‌المللی [امریکا، روسیه، چین، انگلستان، المان، فرانسه و دیگر قدرت‌های ذینفع] در گرم نگه‌داشتن کوره جنگ خاورمیانه هستند. نتیجتاً درگیری حماس و حزب‌الله و متعاقباً جنگ و دعوی نظام جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل در این چهارچوب مستعد تشریح هست و وجود هر یک از دولت‌ها و دسته‌ها [خارج از میزان قدرت، و علایق شان به قدرت‌مداران منطقه و جهان]، نه تنها تعیین‌کننده نیستند، بلکه فاقد ظرفیت لازم در جهت تغییر مسیر و قالب کنونی منطقه خاورمیانه مدنظر امپریالیست‌ها هستند. چون که همه آن‌ها از جمله بازیگران و پادوهای ماشین جنگی قدرت‌مداران بین‌المللی به حساب - آمده و - می‌آیند و سیاست و اعمالشان پیگیری تخریب خانه و کاشانه و آوارگی میلیون‌ها انسان دردمند است.

به دیگر سخن و بنا به صدها دلیل طرح‌شده از این‌و آن، خاورمیانه به یمن تجمع و ذخایر ۶۰ درصد از انرژی و نفت جهان، یکی از جنجالی‌ترین مناطق برای کسب درآمد [در حقیقت غارت ثروت‌های] بیشتر در سطح جهان هست و بالتبع تضادها و تلاش به جهت حاکمیت سیاسی بی‌رقیب به دیگر کشورهای منطقه و آن‌هم تحت پوشش دین، مذهب، قوم برتر و نظایر این‌ها، خاورمیانه را به میدان تعرض به معیشت و زندگی پر از درد و رنج مردم تبدیل کرده است. مدت طولانی است که جنگ‌های ارتجاعی سازمان داده‌شده از طرف ذینفعان اصلی [یعنی قدرت‌مداران بزرگ بین‌المللی همچون امریکا، روسیه، چین و دیگر کشورهای اروپائی]، منطقه خاورمیانه را به یکی از کانون‌های زد و خورد جناح‌های بلامنازع مبدل کرده است؛ از یک طرف تعرض بی‌وقفه به مردم و از طرف دیگر مقاومت و پایداری بر سر کسب سرزمین اشغال و حقوق پایمال‌شده علیه حکومت‌های زورگو، جنبش سیاسی خاورمیانه را بیش از پیش به مرحله بالاتر سوق داده است.

از این روی همه سعی و تلاش سرمایه‌داران در آن است تا به طرق جورواجور، از اختلافات قومی و قبیله‌ئی گرفته تا آتش‌افروزی و راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی، اعتراضات و مخالفت‌های رادیکال را منکوب و تحت کنترل خود درآورند. افسوس [کشورهای] منطقه خاورمیانه علی‌رغم سابقه مبارزاتی درازمدت همچون مبارزه مسلحانه پیش‌رونده در برابر حاکمان ستمگر [تابه‌حال] نتوانسته است به خواسته‌های دیرینه خود دست یابد. قطعاً دلیل‌های گوناگون را در این خصوص می‌شود مورد واکاوی قرارداد، ولی آنچه پیداست آن است که جنبش‌های اعتراضی توده‌ئی در منطقه، بی‌بهره از سازمان مسلح کمونیستی با برنامه به‌منظور تحقق حقوق پایمال‌شده توده‌های دربند از زیر اسارت امپریالیستی هست. در نتیجه به همان میزانی که جنبش‌های اعتراضی منطقه به مراحل بالاتر و رادیکال‌تری پا گذاشته است به میزانی به مراتب بالاتر، ستمگران و حکومت‌های سرکوبگر به همراه دار و دسته‌های دست‌سازشان، هارتر و سازمان‌یافته‌تر در پی قلع و قمع و تخطئه مبارزات میلیون‌ها توده منطقه خاورمیانه هستند.

چکیده کمبود و نارسائی جنبش‌های رادیکال و اعتراضی منطقه در نبود سازمان متناسب باقاعده بندی‌های حاکم در مناسبات امپریالیستی است. آنچه در بطن وضعیت فعلی پیداست آن است که توده‌های ستمدیده منطقه خاورمیانه، در حلقه دولت‌ها و دار و دسته‌های وابسته به امپریالیست‌ها گیر کرده‌اند و به طرق گوناگون انرژی مبارزاتی شان را نفله می‌کنند. به این دلیل و به دلیل نافرجامی مخالفت‌ها و بازخواست‌های پایه‌ی مردم، منطقه خاورمیانه به مانند دیگر مناطق، نیازمند سازمان مطابق با منافع خود در برابر سرمایه‌داران و حاکمان ستمگر هست. پس آینده تغییر روند دردناک فعلی، و نیز آینده ای دوران جنگ‌های مخرب امپریالیستی، وابسته به عروج و نیز وابسته به هستی جنبش روشنفکری و به‌ویژه جنبش بالنده کمونیستی هست. زیرا [همان‌گونه آمده است] هیچ‌یک از دسته‌های مسلح درگیر در جنگ‌های فعلی از آن مردم نیستند و هدف و مقصودشان، پیگیری سیاست‌های امپریالیستی و بدبختی بیش‌ازپیش سازندگان اصلی آن است. بالاخره تا زمانی که دولت‌های غاصب همچون دولت اسرائیل و نیز دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی و دیگر دولت‌های پیش برنده سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها در منطقه حیات دارند، نه‌تنها مسیر مخرب کنونی تغییر نخواهد کرد بلکه با ابعاد دهشتناک‌تری [اکنون زمره‌های آن بگوش می‌رسد] رودررو خواهد شد.

۱۲ اکتوبر ۲۰۲۴

۲۱ مهر - میزان - ۱۴۰۳